

به نام خدا

حرف‌هایی که کاش می‌زدم

(شعرهایی که کاش می‌سرودم)

متن دو زبانه (انگلیسی - فارسی)

کیتاب‌کلی

www.ketab.ir

ترجمه: دکتر غلامرضا برهمند



سرشناسه	کلی، کیتلین، ۱۹۸۴-م. Kelly, Caitlin, 1984-
عنوان و نام پدیدآور	حرف‌هایی که کاش می‌زدم/کیتلین کلی؛ مترجم غلامرضا برهمند؛ تهیه و تنظیم فاطمه رشیدی.
مشخصات نشر	تهران: کتیبه پارسی، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری	۱۰۴ص. وضعیت فهرست نویسی: فیبا
شابک	978-622-6672-93-1
یادداشت	عنوان اصلی: the word i wish i said.
موضوع	شعر آمریکایی - قرن ۲۱. American poetry - 21th century شعر آمریکایی - قرن ۲۱ - ترجمه شده به فارسی American poetry - 21th century - Translations into Persian شعر فارسی - قرن ۱۴ - ترجمه شده از انگلیسی Persian poetry - 20th century - Translations from English
شناسه افزوده	برهمند، غلامرضا، ۱۳۳۰- مترجم
رده بندی کنگره	۳۶۱۹PS رده بندی دیویی: ۶/۸۱۱
شماره کتابشناسی ملی	۴۰۰۱۸۶ اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا



نشانی: تهران، خ انقلاب، خ فخر رازی، ک فاطمی، ک اسلامی، ک بن‌بست یکم، پ ۲، زنگ ۱.
 فروشگاه اینترنتی: www.katibeparsi.com - Katibe.parsi.1393@gmail.com
 تلفن ناشر و مرکز پخش ۱: ۰۹۱۹۲۳۰۰۰۵۳ و ۰۲۱۰۶۶۴۰۹۴۰۹۴
 مرکز پخش ۲: موسسه گسترش فرهنگ و مطالعات

ناشر: کتیبه پارسی	نویسنده: کیتلین کلی
نام کتاب: حرف‌هایی که کاش می‌زدم	مترجم: دکتر غلامرضا برهمند
صفحه‌آرایی و طرح جلد: عباس امیدی	تهیه و تنظیم: فاطمه رشیدی
ناظر چاپ: حسین ضرفام	لیتوگرافی: جاش
نوبت چاپ: اول، بهمن ۱۴۰۲	چاپ و صحافی: شمیم
تیراژ: ۵۰۰	

هرگونه کپی برداری، تکثیر کلی یا جزئی از مطالب کتاب یا طرح جلد، اجرا و خوانش صوتی
 بیش از ده درصد و یا کل کتاب بدون اجازه‌ی کتبی ناشر یک‌بار قانونی دارد و به هر صورت
 برای متخلف، «کارما» به دنبال خواهد داشت.

حرف‌هایی که کاش می‌زدم / کتیبه

ی پارسی



102044

سخن مترجم

**تقدیم به همسر و فرزندان عزیزم: کاوه، آرش و گلریز،
که هر یک همواره به نوعی یاریم کرده‌اند.**

از میان شاخه‌های هفت‌گانه‌ی هنرهای شناخته شده: ادبیات، نمایش، سینما، نقاشی، مجسمه‌سازی، معماری و موسیقی، بی‌شک سر راست‌ترین، آشکارترین، فهم‌پذیرترین، و به بیان دیگر، مستقیم‌ترین آنها - به طور کلی - در درجه‌ی اول ادبیات است، چرا که از عادی‌ترین وسیله، یعنی واژه و بیان و زبان، برای برقراری ارتباط می‌زنند و خواننده بهره می‌گیرد. از بین آثار مختلف ادبی نیز یکی از شاخه‌های آن شعر است که نافذترین و صمیمانه‌ترین زبان را مورد استفاده قرار می‌دهد، و در نهایت اوج زبان شعری، بی‌تردید اشعار عاشقانه و مهربانانه است.

دیگر هنرهای نامبرده در بالا، به ترتیبی که ذکر شده است، چه از لحاظ صورت (شکل) و چه از نظر محتوا، پیام و مفهوم خود را ناگزیر از طریق غیرمستقیم به مخاطب انتقال می‌دهند و لاجرم هر مخاطبی برداشت خاصی از آن به عمل می‌آورد که با استنباط مخاطب متفاوت است. بدین‌گونه، می‌توان گفت که آشنایی، شناخت و آگاهی از موضوع و مسئله‌ی مورد نظر هنری، از طریق ادبیات و شعر، در مقایسه با دیگر شاخه‌های هنری، نسبتاً آسان‌تر و دست‌یافتنی‌تر است. بنابراین می‌توان اظهار نمود که یکی از راه‌های آشنایی، شناخت و آگاهی انسان از فرد، جامعه، فرهنگ و تمدن هر قوم و ملت خاصی، در هر زمان و مکان دیگری، مطالعه و بررسی ادبیات و شعر آن است.

به علاوه، بی‌تردید، ادبیات و شعر هر فرد، جامعه و تمدنی، از ویژگی‌های منحصر به فردی برخوردار است که از محیط، فضا، مقتضیات و حال و هوای خاص آن سرچشمه می‌گیرد که به هر صورت در خور توجه و اهمیت بسیار است. حال چه بپسندیم و تحسینش کنیم، و چه نپسندیم، مخالفش باشیم و به نقد آن بپردازیم.

مضافاً، چنانکه به اشاره گفتیم، یکی از مقولات مهم و متداول در ادبیات و مخصوصاً در شعر، در هر جامعه و فرهنگی و در هر زمان و مکانی، موضوع عشق و مهرورزی است که گویی جزوی بنیادی از خمیره و سرشت طبیعی انسانی است که باز البته در هر جامعه و فرهنگی، شکل و محتوای مخصوص به خود دارد و باز این مسئله با یک دید کلی، خاص سن و مقطع زمانی معینی نیست؛ اگر چه تعبیر و تفاسیر مختلفی، خواهی نخواهی، از آن وجود داشته، دارد و خواهد داشت. اما شاید بتوان گفت که شکل و تعبیر خاصی از آن که عمومیت بیشتری دارد، ویژه‌ی سنین نوجوانی و جوانی است، اما باز شنیده‌اید که گفته‌اند: عشق پیری گر بجند، سر به رسوایی زند.

باری، موضوع اشعار این کتاب عمدتاً مسئله‌ی عشق و مهرورزی در سنین نوجوانی دخترکی از جامعه و فرهنگ معاصر آمریکاست که این احساس خاص خود را به‌زبانی ساده، ظریف و لطیف و در مواردی خشم‌آگین و معترضانه، و به بیانی دیگر، سهل‌ممتنع، به رشته‌ی سخن کشیده است؛ با تمامی ضعف و قوتی که اقتضای دخترکی نوجوان و در محیط جامعه‌ی آمریکای کنونی است که در هر حال، بُعدی - هر چند محدود - از آن جامعه و محیط را مصور ساخته است، که چه بیسندیم و چه نپسندیم، واقعیتی است انکارناپذیر. زیرا مسئله‌ی مهم برای ما این است که باید از هر طریق ممکن، از جمله به واسطه‌ی ادبیات و شعر، تا حدّ امکان، اوضاع و احوال موجه و ناموجه جوامع و فرهنگ‌های دیگر را بشناسیم؛ همان‌گونه که دیگران نیز از قرن‌ها پیش از خصوصیات فرهنگی و تمدنی ما، گاه بهتر از خود ما، آشنایی، شناخت و آگاهی کسب کرده‌اند؛ و به هر صورت شکی نیست که این شناخت در روابط بین جوامع مختلف، مفید و راه‌گشا خواهد بود.

نکته‌ی حائز اهمیت دیگر، کسب شناخت و آگاهی از دیگران، از طریق زبان و بیان خاص خود آنان است که در ادبیات و شعر ایشان جلوه می‌کند. نه شاید، بلکه حتماً، یادگیری زبان دیگران از طریق مراجعه و مطالعه‌ی مستقیم ادبیات و شعر آنان، سریع‌تر، زنده‌تر، و خوشایندتر خواهد بود، تا مثلاً آموختن زبان به وسیله‌ی کتاب‌های گرامری و یا متن‌های متداول خشک و بی‌روحی که از دیرباز همچنان به کار گرفته می‌شود. مخصوصاً با امعان نظر به این حقیقت روشن که زبان و بیان دائماً در حال دگرگونی و تحول است و این پویایی را از راه ادبیات و شعر بهتر می‌توان فراگرفت، تا از طریق کتاب‌ها و روش‌هایی که از گذشته به کار می‌رفته است. از این رو، متن اشعار این مجموعه به زبان اصلی نیز همراه گشته است تا بی‌واسطه، آموزش زبان اصلی هم تسهیل شده باشد. و دست آخر اینکه در برگرداندن این اشعار، سعی بر آن بوده است که تا حدّ امکان زبان شعری آن در فارسی هم، چه از لحاظ شکلی و چه از نظر محتوایی رعایت شده باشد. به این امید که مورد پسند و توجه خواننده نیز قرار بگیرد.

غ. ر. برهمند

سه شنبه ۱۴۰۲/۵/۳

مقدمه‌ی نویسنده

زمانی که کتاب نخستم را، با عنوان حرف‌های یک دیوانه، نوشتم، هرگز دوست نداشتم به پایان برسد.

می‌خواستم مطالب بیشتری به آن بیفزایم، حرف‌های بیشتری داشتم که اضافه کنم و چه بسا که دوستانم می‌گفتند: «چرا کتاب دیگری نمی‌نویسی؟» من احساس می‌کنم به قدری مطلب در ذهنم وجود دارد و به دلیل احساس شاعرانه‌ام، همواره در حال نوشتن هستم، به طوری که فکر نمی‌کنم هیچ وقت فقط با یک کتاب آن را به اتمام برسانم. من شانزده سال دارم. کتابم، با عنوان حرف‌های یک دیوانه، عمدتاً هنگامی نوشته شد که پانزده - شانزده ساله بودم.

اینها حرف‌هایی هستند که سعی دارم از گفتن‌شان خودداری کنم. اینها حرف‌هایی هستند که می‌توانند همه چیز را تحت الشعاع قرار دهند، آن هم زمانی که اوقات خوشی در جریان است. اینها افکار من هستند که تقریباً همه روزه پیگیری می‌شوند. اینها حرف‌هایی هستند که کاش می‌زدم، نه فقط برای یک نفر، بلکه برای همه.

نوشتن یاریم می‌کند که اندیشه‌ای به من عطا شود چرا که اینها حرف‌هایی هستند که کاش می‌توانستم بگویم، اما از گفتن‌شان خودداری می‌کنم. من در حال حاضر وضع کسی را دارم که بر رشته‌ی ریسمانی ایستاده باشد.

با وجود این، زیباترین حرف‌ها، حرف‌هایی هستند که انسان از بیان‌شان می‌ترسد. حرف‌هایی که اظهارشان برای انسان دردسز آفرین است، زیرا انسان می‌تواند آنها را احساس کند، به جای آنکه بر زبان آورد، حرف‌هایی که نمی‌توانند کاملاً در زیرلای حرف‌های خاصی جای بگیرند، چرا که این حرف‌ها به جای آنکه بر زبان آیند، احساس می‌شوند. اینها، در واقع، حرف‌هایی هستند که کاش می‌زدم.

خوش باشید!

-کیتلین کلی